



با تفاوت‌های اندکی همانندند:

– به چاه افتادن شیرویه توسط برادرش و نجات یافتن او توسط خواجه اشرف بازرگان

– رفتن همراه بازرگان به کشور یمن به لباس و به نام بچه درویش

– هنرنمایی در دربار پادشاه یمن

– عاشق شدن دختران وزیر و پادشاه به شیرویه

– ماجرای چهل دزد

– فرمانده سپاه شام و گرفتار و زندانی شدن شیرویه

– رفتن جهانگیر فرزند شیرویه که از دختر وزیر به دنیا آمده بود در پی

پدر. او در شهری دیگر ازدهایی که راه را بر آب شهر گرفته بود می‌کشد و

پدرش شیرویه را نجات می‌دهد.

– و سرانجام بازگشت شیرویه به کشور روم.

بخش‌های آخر داستان شیرویه در هزار و یک‌شب چندین قصه کوچک

را در برمی‌گیرد که ارتباط و همگونی چندانی با یکدیگر ندارند. حکایت‌ها

بیشتر شرح دلدادگی‌ها و هرزگی‌ها است با چاشنی نامتناسب، بدون

محتوا و مقلدانه از ادبیات عیاری و به ویژه کتاب سمک عیار و کتاب‌هایی از

این دست، و البته خالی از هویت فرهنگ عیاری.

شخصیت‌ها:

شخصیت‌ها نیز همچون رخدادها مشابهت‌های بسیار دارند.

ملکشاه رومی – پادشاه پیری که سلطنت را به پسرانش واگذار می‌کنند.

شدم و سرانجام پس از سی سال فرصتی شد که آن را از بایگانی یادداشت‌هایم به درآورم و این بار به جای شاهنامه با قصه‌های شهرزاد مقایسه کنم. البته قصه یادشده را در نسخه ترجمه «تسوجی» نیافتم.

در آغاز این پرسش برابرم پیش آمد که آیا قصه شیرویه از هزار و یک‌شب به دنیای قصه‌های مردم آمده است یا از فرهنگ مردم به هزار و یک‌شب راه یافته و آنجا ماندگار شده است. برای یافتن پاسخ، به نمونه‌های مشابه در قصه‌های زیر پرداختم:

– کچلو. مرتضی هنری، اوسونگون (افسانه‌های مردم خور) مرکز مردم‌شناسی ایران ۱۳۵۲، ص ۲۳

– کره اسب. همان، ص ۳۵

– جهان تیغ. محمدنظر ماسوریان، نامه فرهنگ ایران، بنیاد نیشابور، دفتر دوم، ۱۳۲۵، ص ۶۲

– کره دریازا. محمد میرشکریایی، مجموعه افسانه‌های اسب و آب، دستنویس

– کره اسب پری‌زاد. حمید تاج‌الدینی، قصه‌های مردم کرمان (رأبر)، اسناد پژوهشکده مردم‌شناسی

– شازده شیرویه – Šerviye. علیرضا حسن‌زاده، افسانه زندگان، ج اول، ص ۳۳۳

قصه شیرویه آنچنان که در تفرش شنیده و ضبط شده، شامل ده بخش اصلی است. بخش‌های زیر در هر دو قصه هزار و یک‌شب و روایت تفرش

شیرویه و هزار و یک شب

محمد میرشکرایی

پژوهشکده مردم‌شناسی



از قصه یا آن طور که روایتگر آن می‌گفت از داستان شیرویه، دفتری فراهم آورده و به مقایسه تحلیلی آن با داستان‌های شاهنامه و قصه‌های دیگر پرداخته بودم. این دفتر سی سال در بایگانی یادداشت‌هایم باقی مانده بود، تا اینکه امسال به پیشنهاد کتاب ماه هنر، قرار شد چیزی درباره هزار و یک شب بنویسم، و فرصتی شد تا یک بار این کتاب (هزار و یک شب) را بخوانم. برای این کار مجموعه هفت جلدی هزار و یک شب به اهتمام موسی فرهنگ (چاپ گوتنبرگ) و نسخه ترجمه تسوجی (چاپ علی اکبر علمی ۱۳۳۷) را در دست داشتم*^۱. در مجموعه هفت جلدی به داستانی به نام شیرویه یا بچه درویش برخوردم که از شب ششصد و بیست و چهارم شروع می‌شود و تا شب نهمصد و هفتادم، سیصد و چهل و شش شب به درازا می‌کشد. شهرزاد قصه‌گو همان قصه را گفته بود که حاجی عسگری برایم نقل کرده بود، با همان نام‌ها و جای‌ها و رخدادها و با تفاوت‌هایی که البته ساخت کلی قصه را تغییر نمی‌داد. به بازبینی قصه شیرویه برانگیخته

در بهمن ماه سال ۱۳۵۳ قصه‌ای را به نام «شیرویه» یا «بچه درویش» در نفرش ضبط کردم. قصه حکایت شاهزاده‌ای است که در پی نیرنگ برادرش، از سرزمین خویش به دور می‌افتد و در کشور دیگری، با هنرنمایی‌هایی که می‌کند به دربار شاه راه می‌یابد.

قصه از زبان «حاجی عسگری» است که به مدت دو ساعت روی نوار ضبط شده است. او زمانی که این قصه را برایم گفت پنجاه سال داشت. قصه‌ی شیرویه ترکیبی است از چند بخش متفاوت که هر کدام قصه‌ی جداگانه‌ای است و ماهرانه به یکدیگر پیوند خورده‌اند. ماجراهای قصه در سرزمین‌های روم، یمن، شام و هند اتفاق می‌افتد، اما زمان آن‌ها به روشنی بیان نمی‌شود. ساخت کلی قصه به جز بخش اول آن که به داستان حضرت یوسف می‌ماند داستان گشتاسب شاهنامه فردوسی را به یاد می‌آورد و با بخش‌های دیگری از شاهنامه و نیز با نمونه‌هایی از قصه‌های مردم همانند است.



مروری بر نگارگری ایرانی
اولگ گرابر
ترجمه‌ی مهرداد وحدتی دانشمند
انتشارات فرهنگستان هنر، ۱۳۸۳

مروری بر نگارگری ایرانی اثر اولگ گرابر مورخ هنر اسلامی است که تاکنون بیش از ۳۱ عنوان کتاب درباره‌ی هنر اسلامی به چاپ رسانده است. در این کتاب خواننده با نقاشی ایرانی که بیشترترین کنده‌ی کتاب‌های ادبی، تاریخی، منافع‌الحيوان، هیئت و دیگر نسخه‌های خطی است، آشنا می‌شود. گرابر تلاش دارد خواننده را در میان این نگاره‌ها قرار دهد و او را با تاریخچه‌ی نگارگری ایرانی و ویژگی‌های آن آشنا کند. متن پیش رو ترجمه‌ای است از متن اصلی که تحت عنوان درآمدی بر نقاشی ایرانی در پاییز ۱۹۹۹ منتشر شد. مزیت این کتاب دوم استفاده از تصاویری بیشتر، به ویژه تصاویر رنگی است. سیر ارائه‌ی تصاویر و زیرنویس‌های آن خود می‌تواند به عنوان متنی مستقل در نظر گرفته شود. مؤلف در فصل نخست بر آن است تا با ارائه‌ی تاریخچه‌ای کوتاه، توضیح دهد که نقاشی ایرانی چگونه کشف و چگونه فهم‌پذیری آن تعیین‌کننده‌ی تحقیقات صورت گرفته در مورد آن بوده و اینکه آشنایی با آن تا چه حد محدود بوده است. فصل دوم مشحون از یادداشت‌ها در زمینه‌ی اطلاعات کتاب‌شناختی است و آن‌گاه در فصل سوم بدون تعیین تسلسل تاریخی که هنوز امکان‌پذیر نیست چارچوبی تاریخی برای نقاشی‌ها ارائه می‌شود. سپس درباره‌ی مضامین بزرگ نقاشی ایرانی به موضوع‌هایی می‌پردازد که در این نقاشی بازنمایی شده است. اما کار به روش نگاره‌شناسی متعارف با معرفی متون مکتوب یا منقول صورت نمی‌گیرد. به نظر او این روش اغلب محدودکننده و ساده‌گرایانه است و به جای این کار تلاش شده تعداد معینی از مضامین عمده بیان تجسمی که موضوع خاص هر تصویر را تحت الشعاع قرار می‌دهد شناسایی شود. فصل آخر کوششی است برای درک زیبایی‌شناسانه‌ی نقاشی ایرانی، که گرابر با توجه به فرهنگ ایرانی - اسلامی و به شکل کلی‌تر با توجه به هنر بازنمایی به طور اعم به آن شکل داده است. کتاب‌شناسی ارائه شده، گرچه طولانی است، اما به گفته‌ی گرابر کامل نیست و به یقین آثار زیادی از نظر افتاده است. هم‌چنین برخی آثار قدیمی‌تر نظیر کتاب‌های اف. آر. مارتین، پی دلیو. شولر، ای. ساکیسیان و ادگار بلوشه که تنها به خاطر تصاویرشان ارزش دارند، در این کتاب‌شناسی آورده نشده‌اند.

شیرویه - پسر ملک‌شاه که توسط برادرش به چاه می‌افتد و توسط «خواجه نصیربازرگان نجات می‌یابد...»

ارچه - Arče - پسر ملک‌شاه که با به چاه انداختن برادر موفق می‌شود سلطنت را تصاحب نماید. (می‌گوید برادرش را شیر دریده است.)

بچه درویش - نام مستعاری که خواجه نصیربازرگان برای شیرویه برمی‌گزیند.

خواجه نصیر - بازرگانی که بین کشورهای هند و روم و یمن و شام به مبادلات تجاری و داد و ستد مشغول است.

پادشاه یمن - که با پادشاه روم، دشمن و در جنگ است و شیرویه به طور ناشناس به دربار او راه پیدا می‌کند و داماد وزیرش می‌شود.

خجند - xojand - وزیر پادشاه یمن که نیکخواه شیرویه است و دخترش عاشق او می‌شود.

بهمن - وزیر دیگر شاه یمن (که به روایت قصه‌گو نام‌مسلمان است در برابر خجند که مسلمان است) او نیکخواه شیرویه نیست.

دختر خجند - که عاشق شیرویه می‌شود (شبانۀ او را برای شیرویه عقد می‌کنند). شبیه داستان رستم و دختر شاه سمگان.

به طور کلی در روایت تفرش ۲۶ نام و در روایت هزار و یک شب ۷۸ نام زن و مرد آمده است. قابل توجه است که در اولی ۲۲ و در دومی ۵۲ تا از نام‌ها، فارسی و ایرانی است و بقیه نیز بیشتر نام‌های معمول در ایران هستند مثل محمد، علی و غیره.

از میان قصه‌هایی که مورد مقایسه قرار گرفت، داستان شیرویه که در تفرش نقل شد، و به بخشی از آن پرداختم بیشترین همانندی را با متن هزار و یک شب داشت.

این قصه‌ی بلند که چندین افسانه را در دل خود دارد و شهرزاد سیصد و چهل و شش شب، شهریار را به آن مشغول داشت و نزدیک به یک سوم کتاب هزار و یک شب را در برمی‌گیرد، نقش درخور توجه افسانه‌ها و قصه‌های مردم را در شکل‌گیری هزار و یک شب می‌نمایاند.

سخن پژوهشگر پرمایه هزار و یک شب محمد ابراهیم اقلیدی را گواه می‌گیرم که: «مجموعه داستانی هزار و یک شب، به تقلید از این افسانه‌ها آفریده شده است.»*

مقایسه‌ی قصه‌های هزار و یک شب با افسانه‌های مردم می‌تواند با توجه به ذات مشترک این دو، به روشن‌تر کردن تعلق فرهنگی کتاب هزار و یک شب یاری رساند.

از این دیدگاه، سرچشمه‌های دیگر هزار و یک شب، مثل افسانه‌های کهن هندی و ایرانی و افسانه‌های پدید آمده در دربار خلیفه‌های عباسی بغداد نیز می‌توانند متأثر از زمینه‌ها و بازتاب‌های ادب شفاهی و قصه‌های مردم باشد.

* در نسخه ترجمه عبداللطیف تبریزی (۶۴-۱۲۶۰) که توسط بنگاه مطبوعاتی علی‌اکبر علمی چاپ شده است، قصه شیرویه وجود ندارد

** محمد ابراهیم اقلیدی. چهره زنگی درآینه، کتاب‌ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۲۰ خرداد ۱۳۷۸ صفحات ۱۹-۱۴